اختلاط مردان و زنان در عصر جاهلیت و صدر اسلام ـ محمدرضا شاه‌سنایی
فصلنامه تخصّصی مطالعات قرآن و حدیث **سفینه**
سال شانزدهم، شماره ۶۳ «ویژه زن و خانواده»، تابستان ۱۳۹۸، ص ۸۸-۱۲۵

اختلاط مردان و زنان در عصر جاهلیت و صدر اسلام

محمدرضا شاه‌سنایی*

چکیده: مسأله اختلاط بین مردان و زنان از جمله مسائل مورد بحث در جامعه کنونی است که با رشد روزافزون حضور زنان در عرصه‌های مختلف اجتماعی، بر اهمیت آن افزوده شده است. اینکه عرصه‌های مجاز اختلاط از نظر شرع مقدس چه عرصه‌هایی است و چه ضوابطی برآن حاکم است، توجه پژوهشگران دینی را به خود جلب نموده است. در این مقاله با بررسی منابع معتبر و کهن به ویژه اشعار شاعران عصر جاهلی، ابتدا وضعیت اختلاط در عصر جاهلیت مشخص شده و سپس با بررسی آیات قرآن کریم، احادیث نبوی (در منابع معتبر فریقین) و کتب تاریخی، موضوع مذکور در دوران رسول خدا ﷺ و تغییرات انجام گرفته این دوره نسبت به عصر جاهلیت مشخص گردیده است. نتیجه این بررسی حکایت از این دارد که وضعیت اختلاط چه از نظر عرصه و چه از نظر ضوابط حاکم بر آن دچار تغییرات فراوانی گردیده است.

کلیدواژه‌ها: اختلاط مردان و زنان – رویکرد جاهلی؛ اختلاط مردان و زنان – رویکرد اسلامی؛ اشعار دوره جاهلی – تحلیل محتوا؛ قرآن و حدیث – دیدگاه در مورد اختلاط مردان و زنان.

*. دکتری مدرسی معارف اسلامی mohammadshahsanaiee@gmail.com

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]

[DOR: 20.1001.1.17350689.1398.16.63.6.0]

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]

[DOR: 20.1001.1.17350689.1398.16.63.6.0]

مقدمه

مسئله اختلاط بین مردان و زنان از جمله مسائل مورد بحث در جامعه کنونی است که با رشد و پیشرفت ارتباطات موجود، رو به فزونی نهاده و عرصه‌هایی همچون تعلیم و تربیت، سیاست و بخصوص اقتصاد شاهد حضور فعال این قشر در اجتماع می‌باشد. بدیهی است حضور مذکور نمی‌تواند منحصر به ارتباط با محارم باشد و لاجرم به ارتباط با مردان بیگانه منجر می‌شود و با توجه به اینکه ارتباط دوجنس مخالف با وجود میل و کشش شدید جنسی که مقتضای طبیعت است، به طور طبیعی از نگاه های آلوده و صحبت های بدون شائبه خالی نخواهد بود، از این رو باید دید رویکرد شریعت مقدس اسلام به این حضور و شیوه اختلاط چه رویکردی است؟ برای پاسخ به این پرسش باید وضعیت حضور زن در جامعه صدر اسلام مورد بررسی قرار گیرد ولی از آنجا که این بررسی بدون شناخت پیش زمینه‌های تاریخی آن ممکن نخواهد بود، لازم است در ابتدا وضعیت اختلاط در عصر جاهلیت تبیین شود تا مشخص شود زنان در عصر جاهلی در چه عرصه‌هایی حضور داشتند و با ظهور اسلام چه تغییراتی نسبت به وضعیت قبلی چه از نظر عرصه‌های اختلاط و چه از نظر ضوابط احتمالی حاکم بر آن، ایجاد شده است.

بررسی مفاهیم

اختلاط

در لغت یعنی آمیخته شدن و درهم شدن. در اصطلاح به معنای ارتباط زن و مرد بیگانه در سطح اجتماع است. بدیهی است تعریف بیگانه در فرهنگ جاهلی و فرهنگ اسلامی متفاوت است. در عصر جاهلی، محارم (در مقابل بیگانه) شامل دختر، مادر، خواهر، خاله و عمه می‌شد (خطیب بغدادی، المحبر، ص ۳۲۵) که ازدواج با ایشان ممنوع بود؛ در حالی که دایره محارم در اسلام وسیع‌تر است و اشخاص

دیگری همچون زن پدر را نیز شامل می‌گردد. در این مقاله سعی بر آن است به بررسی وضعیت اختلاط و همچنین ضوابط احتمالی حاکم بر آن بپردازد. اینکه در عصر جاهلیت معاشرت مرد و زن بیگانه در عرصه های اجتماعی از نظر تعلیم و تعلّم، اشتغال، مناسک عبادی، جنگ، دوستی و مانند آن چگونه بوده است؟ آیا ضوابطی برآن حاکم بوده یا نه؟ با ظهور اسلام چه تغییرات احتمالی رخ داده است؟

حریم

حریم، حقی است که برای شخصی لحاظ شده و تصرف در آن، برای دیگران ممنوع است. (ابن اثیر؛۱۳۶۷:۳۷۵/۱) در قرآن کریم، از منهیات پروردگار یعنی آنچه که دستور به اجتناب از آن داده، به "حرمات الله" تعبیر شده است:

(ذلِكَ وَ مَنْ يُعَظِّمْ حُرُماتِ اللَّهِ فَهُوَ خَيْرٌ لَهُ عِنْدَ رَبِّه)- هر کس مقرّرات خدا را بزرگ شمارد، برای او نزد پروردگارش بهتر است. (حج/۳۰) در آیه شریفه مراد از حرمات همان احکام و مقررات الهی تفسیر شده است. (طبری،۱۴۱۲:۱۱۲/۱۷)

با توجه به معنای مذکور، منظور از "حریم" در بحث اختلاط زن و مرد بیگانه این است که آیا در فرهنگ جاهلی و پس از آن در صدر اسلام، ضوابطی برای نحوه ارتباط زن و مرد بیگانه وجود داشته و یا خیر؟ در صورت پاسخ مثبت، چه تغییراتی در ضوابط اسلامی نسبت به ضوابط حاکم در عصر جاهلیت رخ داده است؟

اختلاط زن و مرد در عصر جاهلیت

بررسی نحوه اختلاط زن و مرد بیگانه در عصر مذکور حکایت از این دارد که زنان در آن عصر در برخی از عرصه‌ها به شرح ذیل حضور داشته‌اند:

تعلیم و تعلّم

آموزش در سطح اجتماع به گونه‌ای که موجب ارتباط زن و مرد بیگانه شود، تنها در عرصه کتابت و شعر بود و در موضوع مذکور نیز نقش بسیار ضعیفی برای

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]

[DOR: 20.1001.1.17350689.1398.16.63.6.0]

زنان دیده می‌شود به گونه‌ای که تعداد بسیار محدودی از زنان در عصر مذکور دوشادوش مردان حضور دارند. ام جندب همسر امرو القیس از نادر زنانی بود که در بازار عکاظ که محل عرضه و رقابت سروده‌های شاعران بود (جوادعلی:۲۳۹/۱۷) به مقام داوری رسیده بود و در موردی بین همسرش و شاعر دیگری به نام علقمه داوری نموده و به برتری علقمه رأی داد. (عفیفی، ۱۹۳۲:۱۵۰/۱) و یا خنساء دختر عمرو از قبیله سلمیه که از شاعران پر آوازه بود. (ابن عبدالبر، ۱۴۱۲:۱۸۲۷/۴) جمعه وهند دختران خس از جمله شاعرانی بودند که در بازار عکاظ با مردان به مناظره می‌نشستند. (ابن طیفور، ۱۹۰۸:۵۸)

نکته قابل توجه در اشعار جاهلی (شاعران زن و مرد) این است که هر چند در میان آثار شاعران جاهلی، اشعاری با مضامین اخلاقی و تربیتی نیز همچون اشعار زهیر بن ابی سلمی یافت می‌شود- زهیر به حکیم شعرای عرب شهرت دارد و محتوای اشعارش مضامین اخلاقی و تربیتی و نکوهش رذایل اخلاقی است. (مسلمی زاده، ۱۳۹۶:۱۳۰)- ولی مضمون غالب اشعار شاعران آن عصر حول محور توصیف شتر، اسب، معشوقه، شراب، تفاخر قبیله و هجو بوده و خالی از مضامین عالی انسانی است. معلقات سبعه به عنوان اشعار برگزیده آن عصر، دارای چنین مضامینی است. لذا اگر زنی هرچند به ندرت می‌توانست در این فن به مقامات عالی آن عصر نیز دست یابد، باز آن را نمی‌توان نشانه‌ای بر رشد و کمال انسانی او دانست.

کهانت

"کاهن" به کسی گفته می‌شد که مدعی آگاهی از اسرار غیبی بود و علت این ادعا نیز ارتباطشان با جن بود. (طبرسی،۱۳۷۲:۲۵۴/۹) در عصر جاهلیت کاهنان بسیاری بودند، از جمله دو کاهن معروف "شق" و "سطیح". کهانت در اسلام حرام است و اعتباری به قول کاهنان نیست، زیرا اسرار غیب مخصوص خدا است و سپس به هر کس از

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1398.16.63.6.0]

انبیاء و امامان آنچه مصلحت بداند تعلیم می‌کند. (مکارم شیرازی، ۴۴۴/۲۲:۱۳۷۴) در قرآن کریم در آیات کریمه ۱۹ طور و ۴۲ احقاف به رفع اتهام مشرکین به "کاهن" بودن رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم پرداخته است.

کهانت در نزد عرب جاهلی از اهمیت برخوردار بود و برخی از زنان در این فن سرآمد دیگران شده بودند به گونه‌ای که مردان برای نظرخواهی به نزد آنها می‌رفتند. از آن جمله می‌توان از زنی به نام "طرفه کاهن" یاد کنیم. (کحّاله،۳۶۷/۲)

حضور در بازار

در عصر جاهلیت بیشتر مشاغلی که زنان بدان اشتغال داشتند، مشاغلی بود که بیشتر جنبه درون خانه‌ای داشت و جلوه اجتماعی و مشارکت و ارتباط با مردان بیگانه در آن چشمگیر نبود مانند: پشم ریسی و دوشیدن شتر و کارهای منزل (عفیفی، ۸۵/۱:۱۹۳۲) و معدود زنانی بودند که دو شادوش مردان به اموری همچون تجارت مشغول بوده و مردان را نیز به خدمت می‌گرفتند که حضرت خدیجه سلام الله علیها و هند دختر عتبه همسرابوسفیان (ابن هشام: ۱۸۷/۱:۱۹۵۵، عفیفی، ۸۸/۱:۱۹۳۲) و أم شیبه دختر ابی طلحه که افرادی همچون حجاج بن علاط در نزد او مشغول به تجارت بودند، از آن جمله‌اند. (طبری، ۱۳۹/۲:۱۴۰۷)

برخی از زنان همچون نشیم نیز عطر فروشی را پیشه خود نموده و در این کار موفق بود و شهرت یافته بود.زهیر بن سلمی از شاعران آن عصر به توصیف مردانی پرداخته که با عطر نشیم خود را آراسته‌اند (ابن حجر،۳۰۴/۶:۱۴۱۲) زنان در آن عصر برای تهیه مایحتاج زندگی، وارد بازار شده و به خرید از مردان می‌پرداختند. مزاحمت برخی از مردان هوس باز برای برخی از زنان نیز گاهی باعث بروز مشکلاتی می‌شد که از آن جمله می‌توان به "فجار دوم" اشاره نمود. زنی از قبیله بنی عامر درحالی که برقعی بر صورت داشت، برای خرید وارد بازار عکاظ (بازار مشهور قریش در

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]

[DOR: 20.1001.1.17350689.1398.16.63.6.0]

مکه) شد. جوانان هرزه از او خواستند که برقع را از صورتش کنار زده تا صورتش را ببینند و او امتناع ورزید و برخی از این جوانان هوس‌باز برای رسیدن مقصود خود به طور مخفیانه بوسیله تیغی لباس او را شکافته و موجب شدند بدن او نیز آشکار شود و همین امر، باعث ایجاد جنگی به نام "فجار دوم" شد. (ابن اثیر، الکامل، ۱/۵۲۷:۱۴۱۷ و بغدادی، ۱/۱۶۳:۱۴۰۵)

دایگی نوزادان

از دیگر عرصه‌های حضور فعال زنان در اجتماع، شغل دایگی بود. برخی از زنان به عنوان کسب، نگه‌داری و پرستاری اطفال را به عهده می‌گرفتند. ایشان از بادیه (اطراف شهر مکه) به شهر آمده و برای دایگی نوزادان اعلام آمادگی می‌نمودند. مردم شهرنشین نیز برای رشد فرزندانشان در عرصه فصاحت، بلاغت و جنگ‌آوری، ترجیح می‌دادند که فرزندان خود را به دایه‌های بادیه‌نشین بسپارند که از معروفترین این زنان حلیمه سعدیه است که توفیق دایگی رسول اکرمﷺ را بدست آورد. صحبت‌های حلیمه سعدیه با حضرت عبدالمطلب بر سر قبول و یا عدم قبول دایگی حضرت رسول خداﷺ، نشان از جایگاه زنان دایه و نمونه‌ای از اختلاط مذکور است. (ابن هشام ۱۶۲/۱:۱۹۵۵)

فحشاء

فاحشه‌گری از دیگر راههای کسب درآمد برخی از زنان در عصر جاهلیت بود. ایشان که به "اصحاب رایات" یا همان صاحبان پرچم مشهور بودند با برافراشتن پرچم‌هایی بر منزل خود برای این کار اعلام آمادگی می‌نمودند. (حلبی،۶۹/۱:۱۴۰۰)

البته به جز زنان مذکور، برخی کنیزان نیز به دستور صاحبان خود و به اجبار به این کار آلوده شده و راه کسب درآمدی برای صاحبان خود محسوب می‌شدند. (قمی،۱۰۲/۲۲:۱۳۶۷) در قرآن کریم به این رفتار شنیع دوران جاهلیت اشاره شده است

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]

[DOR: 20.1001.1.17350689.1398.16.63.6.0]

و از آن نهی نموده است: «وَ لا تُكْرِهُوا فَتَياتِكُمْ عَلَى الْبِغاءِ إِنْ أَرَدْنَ تَحَصُّناً - کنیزان خود را که می‌خواهند پاکدامن باشند، برای به دست آوردن متاع ناچیز و زودگذر زندگی دنیا به زنا وادار مکنید» (نور/۳۳)

در شأن نزول آیه نیز وارد شده که عبدالله بن ابی و عبدالله بن نتیل از سران منافقان کنیزان خود را به این عمل وادار می‌نمودند، پس کنیزان مذکور که نامشان مسیکه و امیه بودند، شکایت به نزد رسول خدا ﷺ برده و در پی آن آیه مذکور نازل شد. (مقاتل،۱۴۲۳:۱۹۸/۳)

مشارکت در جنگ

از دیگر عرصه‌هایی که حضور اجتماعی زن و اختلاط زن و مرد بیگانه در آن مشهود است، میدان‌های جنگ بوده است. زنان در عصر جاهلی در جنگ‌ها در چند مورد به ایفای نقش می‌پرداختند:

الف- تشویق مردان به جنگ و عدم فرار از میدان جنگ

ب- هجو دشمن

برخی زنان با حضور در میادین جنگ با سرودن اشعار حماسی و تقویت حس انتقام‌جویی مردان قبیلشان به تقویت روحیه و تشویق ایشان به مقاومت می‌پرداختند و گاهی نیز با سرودن اشعاری با مضامین جنسی و ارائه جاذبه‌های جنسی خود، به تشویق مردان همت می‌گماردند:

ام عمرو بنت وقدان در تحریک قومش چنین سروده:

ان انتم لم تطلبوا باخیکم فذروا السلاح و و وحّشوا بالابرق

و خذوا المکاحل والمجاسد والبسوا نقب النساء فبئس رهطاً لمرهق (جبوری، ص ۳۳۷)

اگر شما انتقام برادرتان را نگرفتید پس سلاح بیفکنید و به دور دست بروید و آنجا سرمه دان برگیرید و همانند زنان نقاب بزنید.

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1398.16.63.6.0]

در جنگ احد هند همسر ابوسفیان به همراه زنان دیگری از قریش درحالی که به نواختن دف مشغول بودند، این اشعار را تکرار می‌کردند:

«ما دختران طارقیم. روی فرش‌های گران‌بها راه می‌رویم. اگر رو به دشمن کنید، با شما همبستر می‌شویم و اگر پشت به دشمن نمایید و فرار کنید، از شما جدا می‌شویم» (ابن عبدالبر۴/۱۹۲۲)

فرماندهان، زنان و دختران جنگ‌جویان را در جنگ‌ها به همراه می‌آوردند تا برای حفظ آبروی خود هم که شده تمام تلاششان را به کار برند. نمونه بارز آن را در جنگ حنین اتفاق افتاد که قبیله هوازن تمام زنان و کودکان را نیز به همراه خود به میدان جنگ آوردند. (ابن هشام:۱۹۵۵:۲/۴۳۷)

این بود عرصه‌هایی که به نوعی اختلاط زنان با مردان بیگانه در آن دیده می‌شود. با توجه به عرصه‌های اختلاط زن و مرد، سؤال اساسی این است که در ارتباطات مذکور، ضوابطی حاکم بوده و یا به تعبیر دیگر آیا حریمی در ارتباط زن و مرد بیگانه وجود داشته و یا خیر؟

ضوابط حاکم بر اختلاط زن و مرد بیگانه در عصر جاهلیت

بررسی منابع معتبر و کهن حکایت از وجود ضوابطی در روابط مرد و زن بیگانه دارد. تمایز زنان از مردان در نحوه پوشش، سکونت و مسافرت، قراینی است بر وجود نوعی حریم و ضابطه در برخورد زن و مرد بیگانه.

۱- تمایز در مکان سکونت و نحوه مسافرت

بررسی شیوه برپا نمودن خیمه‌ها برای زندگی قبیله‌ای حکایت از توجه زیاد به پنهان بودن زنان از انظار مردان بیگانه دارد؛ به گونه‌ای که ایشان در درون خیمه، مکانی را با که پارچه‌هایی به نام "قرام"پوشش داده می‌شد، برای زنان اختصاص می‌دادند؛ به این مکان **کِلّة** گفته می‌شد. (زمخشری، اساس‌البلاغه، ۱۹۷۹:۵۰۴ و ازهری، ۱۴۲۱:۹/۱۲۱)

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]

[DOR: 20.1001.1.17350689.1398.16.63.6.0]

مکان مذکور به گونه‌ای بود که هیچ غریبه‌ای حق ورود بدان را نداشت و قسمت دیگر برای مردان و مهمان‌ها بود. (جواد علی،۱۴۲۲: ۹/۶)

نابغه از شاعران عصر جاهلی در توصیف فراق "عمرو بن هند" از "قطّام"، تصریح می‌کند که قطّام در داخل خیمه قرار داشت و هنگامی که سراپرده خیمه کنار رفت و او اجازه داد لحظه‌ای به او بنگرد، باز پرده نقش دار دیگری (در درون خیمه) که قطّام در پشت آن قرار گرفته بود را کنار زد.

فلو کانتْ، غداةَ البینِ، منّت وقد رَفَعُوا الخُدُورَ علی الخِیامِ

صَفحتْ بنظرة فَرأیتُ منها تحیّت الخدْرِ واضعةُ القرامِ (نابغه،۱۴۱۶:۶۳)

مردمان آن عصر حتی در هنگام سفر نیز از حریم قائل شدن برای زنان و پوشش ایشان از انظار بیگانگان غافل نبودند؛ از این رو زنان را داخل **هودج** حرکت می‌دادند. هودج به چوب‌هایی گفته شده که بر روی شتر قرار داده و آن را با پرده‌ای می‌پوشاندند. (فراهیدی،۱۴۰۹: ۴/۲۲۸) دو واژه کلّه و غرام در اشعار جاهلی به کار رفته است:

من کلِّ مَحْفُوفٍ یُظِلُّ عِصِیَّهُ زَوْجٌ علیه کِلَّةٌ وَقِرَامُهَا (لبید،۱۴۲۵:۱۰۸)

۲- تمایز در پوشش

تمایز در پوشش لباس زنان از مردان به ویژه در هنگام حضور در کنار مردان بیگانه، حکایت از وجود ضابطه و حریمی در نحوه اختلاط زن و مرد بیگانه در آن عصر دارد.

الف) اصطلاحات "ربات الخدور"، "مخبآت" و "بیضات الخدور"

از جمله اصطلاحاتی که در آن دوران در مورد زنان رایج بوده و دلالت بر این تمایز دارد، اصطلاح ربات الخدور است. این اصطلاح به معنای صاحبان پرده (پرده نشینان) است."ربات" جمع "ربّه" به معنای صاحب بوده (ازهری، ۱۴۲۱:۱۵/۱۲۸) و "خدور"

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1398.16.63.6.0]

جمع "خدر" به معنای پرده و پوششی بوده که زنان در خانه نصب می‌نموده‌اند. (فراهیدی،۱۴۰۹: ۴/۲۲۸) در اشعار جاهلی، اصطلاح مذکور در مقابل اصطلاح "حواسر" به معنای آشکار بودن سر و بازوان به کار رفته است. (ابن سیده، ۳: ۱۸۰/۱۴۲۱)

وَ تقومَ رباتُ الخدورِ حَواسراً یَمسَحنَ عرضَ تمائمِ الأیتامِ (مهلهل، ۷۸)

زنان پرده‌نشین نقاب از صورت برداشته و بر موهای جلوی یتیمان دست می‌کشیدند.

سعد بن مالک بن ضبیعة جد طرفه بن عبد (شاعر مشهور عصر جاهلیت) چنین سروده:

فَالْهَمُّ بَیْضَاتُ الْخُدُورِ هُنَاكَ لاَ النَّعَمُ الْمُرَاحُ (ابی‌تمام، ۱۴۱۸:۹۰)

او در این بیت از زنان به بیضات الخدور (سفید رویان پوشیده) نام برده که حاکی از زیبایی و پوشیدگی ایشان است.

کاربرد واژه **مخبآت** در مورد زنان از دیگر شواهد دالّ بر پوشیدگی زنان در آن عصر دارد. این واژه از "خبأ" به معنای استتار شدید است. (مصطفوی، ۱۴۳۰:۳/۷) زهیر بن ابی سلمی واژه "مخبآت" به معنای زنان بسیار پوشیده (ابن سیده، ۱۴۲۱: ۵/۲۴۰) را در اشعارش به کار برده و در توصیف بدعهدی مردان قبیله بنو حصن چنین سروده:

وما أدری، وسوفَ إخالُ أدری قَوْمٌ آلُ حِصْنٍ أمْ نِساءُ

فإن قالوا النساء مخبآت فحق کل محصنة هداء (زهیر،۱۴۰۸:۱۷)

او به مردان قبیله "بنوحصن" به کنایه می‌گوید: نمی‌دانم ایشان مردند و یا زن. اگر مرد هستند باید به عهد و وفای خود عمل نمایند و در غیر این صورت باید سر و صورت خود را مانند زنان پوشانده و به ازدواج مردان در آیند.

ب) مدح "پوشیدگی" زنان در فرهنگ جاهلیت

در اشعار جاهلیت شواهدی یافت می‌شود بر اینکه حضور زنانی که سر و

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]

[DOR: 20.1001.1.17350689.1398.16.63.6.0]

صورتشان را در مقابل مردان بیگانه پوشانده و در جامعه حضور پیدا می‌نمودند با ستایش دیگران همراه بوده است. درید بن صمه (از شاعران اواخرعصرجاهلیت) از جمله شاعرانی است که به خمار بر سر نمودن همسرش افتخار نموده است:

من الخفرات لا سقوطا خمارها اذا برزت و لا خروج المقيّد (جبوری،۱۹۸۹، ۱۲۰)

از شدت حیاء هرگز خمارش نیفتاد....

شنفری (م۱۰۰ قبل از هجرت) از دیگر شعرای عصر جاهلی است که در مقام توصیف حیاء و عفت زنی زیبا چنین سروده است:

لقد اعجبتنی لا سقوطا قناعها اذا ما مشت و لا بذات تلفت (مفضل،۲۰۱۲:۱۰۹)

رفتار زنی که به هنگام راه رفتن مقنعه‌اش از رخش نمی‌افتد و این سو و آن سو نمی‌نگرد، مرا شیفته خود نموده است.

علاوه بر مطالب مذکور که مستند به اشعار شاعران آن عصر است، گزارش‌های تاریخی دیگری بیانگر حضور همراه با پوشش سر و صورت زنان در اختلاط با مردان است.

در کتب تاریخی درشرح وقایع سال‌های مربوط به فجار آمده که زن زیبا و با حجب و حیایی از قبیله بنی عامر درحالی که برقعی بر صورت داشت، برای خرید وارد بازار عکاظ شد (ابن اثیر، الکامل، ۱۴۱۷:۱/۵۲۷ و بغدادی، ۱۴۰۵:۱/۱۶۳) در قضیه دیگری مربوط به جنگ‌های صدر اسلام، در سریه "فلس" دختر حاتم طائی به اسارت مسلمانان در آمد. او گفته از هنگام اسارت تا هنگامی که وارد مدینه شدم ردایم را بر برقع صورتم کشیدم و نه صورت کسی را مشاهده نمودم و نه کسی صورت من را مشاهده نمود. (واقدی،۱۴۱۴:۳/۹۸۴)

ج) تمایز پوشاک دختر بچگان از زنان بالغ از جهت پوشش

از دیگر شواهد دالّ بر وجود تمایز پوشش زنان از مردان در هنگام اختلاط با

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1398.16.63.6.0]

مردان بیگانه، تمایز پوشش زنان از دختر بچگان بود بدینگونه که با افزایش سن دختران و نمایان شدن زیباییهای بدن، ایشان از لباس‌هایی بهره می‌گرفتند که این زیباییها را در مقابل مردان بیگانه بهتر پوشش دهد.

- دِرع و مِجْوَل

درع پیراهن دوخته وآستین‌داری که زنان به تن می‌کردند (فراهیدی،۱۴۰۹:۲/۶۵ و ازهری، ۱۴۲۱:۲/۱۲۰) و مِجول لباس کوچکی است که دختران نابالغ آن را می‌پوشیدند. (جوهری، ۱۳۶۷:۴/۱۶۶۳) دختر بچه‌ها لباس‌هایی می‌پوشیدند که پوشانندگی کمتری داشت، امّا وقتی به سنی می‌رسیدند که زیبایی‌های زنانه‌شان آشکارتر می‌شد، لباس‌هایی به تن می‌نمودند که از پوشش بهتری برخوردار بود. از همین رو، "مِجوَل" لباسی بود که دختران نابالغ آن را به تن می‌کردند، امّا "درع" که پوشانندگی بیشتری داشت، ویژه دختران جوان و زنان بود. امرؤ القیس شاعر جاهلی در این باره چنین سروده:

إلی مِثْلِها یَرْنُو الحَلِیمُ صَبَابَةً إذا ما اسْبَکَرَّتْ بین دِرْعٍ و مِجْوَل (امرؤ القیس، ۱۴۲۵:۴۶)

حتی مردان خویشتندار هم به اوخیره می‌شوند، در هنگامی که قد دختر جوان به اندازه‌ای رسیده که بین مجول و درع است.

درع در اندازه‌های مختلف بوده به گونه‌ای برخی از اقسام آن تمام تن تا روی انگشتان پا را می‌پوشانده است و از همین رو برای نماز گزاردن زنان (به شرط همراهی با خمار) کافی دانسته شده است:

«سَأَلَتْ أُمَّ سَلَمَةَ مَاذَا تُصَلِّی فِیهِ الْمَرْأَةُ مِنَ الثِّیَابِ فَقَالَتْ تُصَلِّی فِی الْخِمَارِ وَالدِّرْعِ السَّابِغِ الَّذِی یُغَیِّبُ ظُهُورَ قَدَمَیْهَا» (ابو داود سجستانی،۲۰۰۹:۱/۴۷۶)

[مادر محمد بن زید] از ام سلمه در مورد لباس زن نمازگزار سؤال نمود و ایشان پاسخ داد: زن باید در درعی که تا پشت قدمهای پا را پوشش دهد به همراه خمار نماز گزارد.

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]

[DOR: 20.1001.1.17350689.1398.16.63.6.0]

جلباب

از البسه مورد استفاده زنان در عصر جاهلی بوده و در اشعار شاعران جاهلی همچون اعشی، ابن مقبل و دیگران به کار رفته است. غالب لغت‌دانان از جمله "ازهری" جلباب را نوعی پوشش معنا نموده‌اند که از خمار بزرگتر بوده و زنان بوسیله آن سر و سینه خود را می‌پوشانیده است. (ازهری، ۱۱/۶۴:۱۴۲۱) برخی نیز آن را مانند عبایی توصیف نموده‌اند که بر روی سایر البسه پوشیده می‌شده است. (ابن سیده، ۷/۴۳۹:۱۴۲۱) به نظر می‌رسد جلباب، کار کردی همچون چادر داشته است که زنان بر روی سایر لباس‌های خود می‌پوشیدند و حجم محاسن ایشان را پوشش می‌داده است. "جنوب دختر عجلان" که از شاعران جاهلی و از قبیله هذیل (نصرت زبیدی، ۱۲:۲۰۱۳) بوده در ماتم کشته شدن برادرش عمر چنین سروده:

تمشی النسور الیه و هی لاهیه مشی العذاری علیهن جلابیب (جوهری، ۱/۱۰۱:۱۳۷۶)

کرکس‌ها به جایی که او از پای در آمده می‌روند و شاد می‌شوند همچون راه رفتن دوشیزگانی که جلباب به تن دارند. ابن مقبل نیز در توصیفی زن زیبایی چنین سروده:

لِبِسَتْ جَلاَبِيبَ الحَرِيرِ، وخَدَّرَتْ الرَّيْطِ فَوْقَ نَوَاعِجٍ وجِمَالِ (ابن مقبل، ۱۸۷:۱۴۱۶)

جلبابی از جنس حریر بر تن نموده و در هودجی نشسته که بر روی شتر تندرویی قرار گرفته است. در قرآن کریم در آیه ۵۹ احزاب از زنان خواسته شده که با پوشیدن **جلباب** در زمره زنان خواهان عفت در آمده و از زنان بی‌قید و بند تمییز داده شده تا از تعرض و اذیت و آزار مردان فاسد در امان بمانند.

بررسی وضعیت اختلاط در صدر اسلام

بررسی آیات قرآنی، منابع روایی فریقین و منابع تاریخی، حکایت از حضور فعال زنان مسلمان در عرصه‌های مختلف اجتماعی دارد. حضور مذکور از دو جهت با

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1398.16.63.6.0]

دوران جاهلیت تفاوت دارد: یکی از جهت وسعت عرصه و دیگری از جهت ضوابط حاکم بر اختلاط با مردان. در این مقاله ابتدا عرصه‌های اختلاط زن و مرد و سپس ضابطه‌های حاکم بر آن مورد بررسی قرار می‌گیرد.

زنان در سایه تعالیم اسلامی، توانستند در عرصه‌های مختلف اجتماعی، دوشادوش مردان و حتی در برخی مراحل فعال‌تر از ایشان به ایفای نقش بپردازند. عرصه‌هایی همچون تعلیم و تعلّم، سیاست، هجرت، جهاد، شهادت و امور پزشکی شاهد نقش مؤثر ایشان در رشد و شکوفایی تمدن اسلامی است. ولی براین اختلاط و مشارکت ضوابط جدیدی حاکم شد که توانست علاوه براینکه مانع از سوء استفاده جنسیتی از زن شود، او را به کمالات شایسته خود برساند.

عرصه‌های اختلاط مرد و زن

الف. فراگیری علم

تعلیمات رسول خدا ﷺ اختصاص به مردان نداشت، بلکه زنان و مردان هر دو مخاطب ایشان بودند؛ به گونه‌ای که دومین فردی که تعلیمات آن حضرت را از سر آگاهی پذیرفت و با تمام وجود به دفاع از آن پرداخت حضرت خدیجه (سلام الله علیها) است. ابن اثیر جزری به شرح حال ۱۰۲۲ تن از زنانی پرداخته که در زمان حیات رسول خدا ﷺ در اثر تعلیمات آن حضرت، به دین اسلام تشرف یافته‌اند (ابن اثیر جزری، ۱۴۱۵:۳/۷-۴۲۵)

ایشان به ویژه در دوران ۱۰ ساله حضور رسول خدا ﷺ در مدینه، به طور مستقیم خدمت آن حضرت شرفیاب شده و سؤالات خود را در محضر ایشان مطرح و پاسخ خود را دریافت می‌نمودند. مسأله علم آموزی به ویژه در مسائل دینی به گونه‌ای بود که زنان از عرضه سوالات مربوط به غسل حیض و غسل جنابت نیز احساس شرم نکرده و به راحتی از آن حضرت پرسش نموده و ایشان پاسخ

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]

[DOR: 20.1001.1.17350689.1398.16.63.6.0]

می‌دادند:

زنی به نام ام سلیم پس از شرفیابی به خدمت آن حضرت با ذکر این مقدمه که در پرسش از حقیقت حیایی نیست، سؤالی در مورد غسل جنابت زنان نموده و آن حضرت نیز پاسخ می‌دهند (بخاری، ۱۴۰۷:۱/۶۰)

و یا اسماء بنت شکل و خوله بنت یسار به خدمت آن حضرت رسیده و از کیفیت غسل و نحوه نظافت لباسی که در آن حیض رخ داده پرسش نموده و آن حضرت پاسخ می‌دهند. (ابن ماجه، ۲۱۰/۱و استیعاب۴: ۱۸۳۳/۱۴۱۲)

شوق یادگیری مسائل دینی در میان زنان منجر به ایجاد رقابتی بین مردان و زنان شد به گونه‌ای که گروهی از زنان به خدمت آن حضرت آمده و گفتند: مردان در فراگیری از ما پیشی گرفته‌اند، و از آن حضرت تقاضا نمودند یک روز را به تعلیم ایشان اختصاص دهد و ایشان نیز پذیرفتند. (بخاری، ۱۴۰۷:۱/۵۰)

ب. مقام استادی

پس از رحلت رسول خداﷺ با وجود ممنوعیت کتابت حدیث از زمان خلیفه اول، ولی نقل حدیث (به ویژه در مسائل مربوط به احکام) جایگاه ویژه خود را داشت و زنان بسیاری بودند که به تعلیم شنیده‌های خود از آن حضرت به دیگران پرداختند که منابع حدیثی فریقین شاهد این ادعاست.

در میان صحابی زن، آنان که به سبب نسبت نسبی و یا سببی توفیق بیشتری در کسب علم از آن حضرت داشتند بسیار مورد توجه واقع شدند به گونه‌ای که مردان بسیاری به نقل روایت از ایشان پرداختند. (صفری فروشانی،۳)

از جمله این بانوان می‌توان به حضرت صدیقه طاهره علیها السلام اشاره نمود. ایشان با اینکه عمر بسیار کوتاهی پس از رحلت رسول اکرمﷺ داشتند، ولی به تعلیم معارف الهی پرداخته به گونه‌ای که زنان و مردان از ایشان نقل حدیث نموده‌اند.

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1398.16.63.6.0]

جز امیر مؤمنان، امام حسن، امام حسن، زینب و ام کلثوم علیهم‌السلام و همچنین بجز زنان صحابی همچون اسماء بنت عمیس، ام سلمه، زینب بنت ابی‌رافع و... صحابی از جمله ابن مسعود، ربعی بن خراش، سهل بن سعد انصاری، جابر بن عبدالله، حکم بن ابی نعیم، عمرو بن شریک از ایشان نقل حدیث نموده‌اند که غالب این روایات در مسند فاطمة الزهراء علیهاالسلام ذکر شده است.

ام سلمه، اسماء بنت عمیس، اسماء بنت ابی‌بکر، عائشه، اسماء بنت زید و زنان بسیار دیگری به نقل و تعلیم روایات حضرت رسول اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله همت گماردند، تا جایی که مردان زیادی به نقل روایت از ایشان پرداخته و روایاتشان در منابع حدیثی فریقین ذکر شده است. عائشه همسر آن حضرت به سبب عمر نسبتاً طولانی و جایگاهی که به دلیل خلافت پدرش ابوبکر و همچنین روابط حسنه‌اش با خلیفه دوم، در میان مسلمانان به ویژه تابعین پیدا نمود، روایات زیادی از آن حضرت نقل نموده و به عنوان یکی از مکثرین حدیث در منابع اهل سنت مطرح است.

ج. مجاهدت در راه خدا دوشادوش مردان

۱. شهادت: معارف اسلامی چنان تحول عظیمی در میان زنان ایجاد نمود که حاضر شدند برای دفاع از دین حق، آن از جان خود نیز بگذرند. ارائه الگوهای صبر و مقاومت در قرآن کریم که اختصاصی به مردان نداشت و حتی در مواردی صبر و مقاومت یک زن را الگویی برای تمام مردان و زنان مؤمن قرار داده بود، تأثیری بس شگرف بر زنان مؤمن صدر اسلام در دفاع از دین الهی گذاشت.

زینب دختر رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله که در راه هجرت از مکه به مدینه هدف حمله دشمنان قرار گرفت به گونه‌ای که نیزه‌ای به بدنش اصابت نموده و بر اثر خونریزی شدید، سقط نموده و بر اثر همین جراحت در مدینه به شهادت رسید. (ابن عبدالبر، ۱۸۵۴/۴:۱۴۱۲)

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]

[DOR: 20.1001.1.17350689.1398.16.63.6.0]

۲. تحمل سختی‌های جانفرسا:

حضور حضرت خدیجه و فاطمه زهرا علیهما السلام به همراه سایر زنان مؤمن بنی‌هاشم از جمله فاطمه بنت اسد در شعب ابی طالب و تحمل رنج‌های طاقت فرسای سه سال محاصره همه جانبه در کنار مردان مؤمن، حکایت از عظمت مجاهدت ایشان در دفاع از عقاید حقه خود دارد.

در قضیه لیلة المبیت، هنگامی که قبایل مختلف قریش هم قسم شدند تا رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم را شبانه به شهادت برسانند، یکی از همین زنان قهرمان به نام رقیقهٔ بنت صیفیّ بود که با به خطر انداختن جانش، خود را به آن حضرت رسانده و ایشان را از نقشه شوم قریش آگاه نمود. (عبدالله بن عفیفی،۱۹۳۲:۱/۱۰۷)

فاطمه بنت اسد که پس از رحلت حضرت خدیجه و حضرت ابوطالب علیهما السلام نقش جایگزین آن دو را در دفاع از رسالت آن حضرت ایفا نموده و خانه ایشان در مکه و سپس در مدینه، پناهگاهی بود برای انصار آن حضرت. حضرت نبی اکرم صلی الله علیه و آله و سلم در توصیف ایشان فرموده که پس از ابوطالب کسی به اندازه او در حق من نیکی ننمود و آن حضرت در هنگام مرگ این بانوی فداکار، لباس خود را به عنوان کفن او قرار داده و دفنشان نمودند. (ابن حجر عسقلانی، ۱۴۱۵:۸/۲۶۹) از دیگر نمونه‌های این مجاهدت‌ها، آمنه دختر شرید همسر عمروبن الحمق از یاران امیرمؤمنان علیه السلام است که پس از شهادت آن حضرت، معاویه در پی دستگیری او بود و این زن مؤمن را به بهانه شراکت در جرم شوهرش (دفاع از حقانیت امیرمؤمنان) دو سال در زندان دمشق، زندانی نمود و رنج‌های بسیاری متحمل شد. او پس از شهادت شوهرش و آزادی از زندان، با کلامش معاویه را به وحشت انداخت به گونه‌ای که پس از آزادی با او شرط کرد که در شام سخن نگوید و به سرعت از آنجا خارج گردد. (ابن طیفور،۱۹۰۸:۶۴)

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1398.16.63.6.0]

د. هجرت

از جمله شاخصه‌های مهم حضور زنان درفعالیت‌های اجتماعی صدر اسلام، هجرت از مکه به حبشه و نیز هجرت از مکه به مدینه است. در عصر جاهلیت مرسوم نبود که زنان مردان را در سفرها همراهی کنند به دلایل مختلفی همچون سختی‌های طاقت فرسا و... . ولی زنان مؤمن پس از اذن رسول خداﷺ جهت هجرت به حبشه، با وجود مشکلاتی از جمله دوری از وطن، از دست دادن اموال، مشکلات طاقت فرسای راه، خطرات جانی و...، برای یاری و حفظ دین اسلام دوشادوش مردان این سختی‌ها را به جان خریده و در دو هجرت مسلمانان (به حبشه و مدینه) حضوری فعال داشتند از جمله زنانی که در دو مرحله به حبشه هجرت نمودند می‌توان به همسران هلال بن عبدالله، جعفر بن ابی طالب، ابن اسد بن ربیعه، عمروبن سعید، خالد بن سعید، عبیداله بن جحش، جهم بن قیس، مطلب بن ازهر، ابن کعب بن سعد، جناده بن سفیان و همچنین حضرت رقیه‌علیهاالسلام همسر عثمان بن عفان، فاطمه و زینب دختران حارث اشاره نمود. (ابن هشام: ۱۹۵۵:۳۲۹/۱)

ه. حضور در میادین جنگ

به رغم عدم وجوب جهاد بر زنان، منابع تاریخی و روایی حکایت از ایفای نقش فعال زنان مؤمن و متعهد در میادین نبرد دارد. جنگ بدر، احد، خندق و حنین، شاهد حضور زنان مجاهدی است که تحت فرماندهی رسول خداﷺ به یاری دین خدا همت گماشتند. معرکه صفین نیز شاهد حضور زنان مجاهدی است که در دفاع از حقانیت امیرمؤمنان‌علیه‌السلام، در میدان جنگ حضور پیدا نموده و به افشای چهره حقیقی معاویه پرداختند. هرچند در عصر جاهلیت نیز برخی زنان در میادین نبرد حاضر می‌شدند و به یاری مردان خویش می‌پرداختند ولی انگیزه ایشان دفاع از تعصبات قبیلگی و حفظ منافع قبیله بود، ولی زنان مسلمان در راه دفاع از

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]

[DOR: 20.1001.1.17350689.1398.16.63.6.0]

ارزش‌های الهی پا در میدان جنگ می‌گذاشتند.

ابعاد مشارکت زنان در جهاد:

الف. تدارکات و مداوای مجروحان:

واقدی در شرح حوادث مربوط به جنگ احد از حضور ۱۴ زن در امور مربوط به تدارکات و مداوای مجروحان سخن گفته است. از جمله این زنان حضرت صدیقه طاهره علیها السلام، عائشه همسر پیامبر، ام سلیم، ام ایمن، دختر جحش می‌باشند که با حمل طعام و آب و مداوای مجروحان، دوشادوش مردان، به یاری دین خدا پرداختند. در این جنگ شدت جراحات وارده به رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم به حدی بود که حضرت فاطمه علیها السلام جهت جلوگیری از خونریزی زخم‌های وارده بر بدن ایشان، حصیری را سوزاند و خاکستر آن را بر جراحات قرار داد. (واقدی،۹۵/۱) حضور زنان در امور پزشکی و مداوای مجروحان می‌تواند نشان از قابلیت‌های این قشر در امر مذکور باشد که حضرت رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم نیز با توجه به همین استعداد و قابلیت‌ها، اجازه داد در این عرصه به فعالیت بپردازند. نسیبه بنت کعب مشهور به ام عماره از جمله زنانی بود که برای آبرسانی و مداوای مجروحان به احد آمده بود ولی هنگامی که مشاهده نمود جان رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم به خطر افتاده، شمشیر بدست گرفته و به دفاع از ایشان پرداخت و در این راه ۱۲ زخم بر بدنش وارد شد. (واقدی، ۱۱۰/۱)

در جنگ خندق نیز زنان همانند جنگ احد، نقش مهمی در پیروزی قوای اسلام داشتند. رفیده انصاری از پزشکان حاذقی بودکه در خیمه مخصوصی به مداوای مجروحان از جمله سعد بن معاذ همت گمارد. (ابن حجر،۱۴۱۲:۶۴۶/۷)

در جنگ خیبر نیز زنانی از جمله امیه دختر ابی الصلت به همراه برخی از زنان قبیله بنی غفار از آن حضرت اجازه خواستند تا برای مداوای مجروحان و کمک به مردان به میدان بیایند که آن حضرت با ذکر "علی برکة الله" به ایشان اجازه دادند. ام

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1398.16.63.6.0]

سنان نیز از جمله زنانی است که از آن حضرت تقاضای حضور در میدان جنگ جهت کمک به مداوای مجروحان و ... را داشت که آن حضرت اجازه دادند به همراه ام سلمه همسر آن حضرت حضور یابد و به در پایان جنگ نیز سهمی از غنایم را به زنان حاضر در جنگ عطا فرمودند. (واقدی،۲۷۹/۱)

ب. فعالیت‌های تبلیغی؛ زنان با سرودن اشعار حماسی، روحیه رزم را در رزمندگان تقویت می‌کردند.

یکی از ترفندهای دشمنان رسول خدا صلی الله علیه و آله استفاده ابزاری از زنان برای تقویت نیروهای خود و هجو مسلمانان جهت تضعیف روحیه ایشان بود و در اینجا نقش زنان مؤمن برای مقابله با این ترفند و پاسخ مناسب به هجوهای ایشان بسیار مهم بود. در جنگ احد پس از شهادت حضرت حمزه، هند همسر ابوسفیان با خواندن اشعاری به شماتت و هجو مسلمانان پرداخت و در این هنگامی بانویی به نام اروی بنت حارث (نوه حضرت عبدالمطلب) پاسخ مناسبی به او داد. (ابن طیفور،۱۹۰۸:۳۲)

فعالیت‌های تبلیغی زنان مؤمن در جنگ‌های رخ داده در زمان امیرمؤمنان علیه السلام نیز بسیار چشمگیر بود.

در معرکه صفین معاویه از هر وسیله‌ای برای تضعیف موقعیت امیر مؤمنان علیه السلام بهره جست به گونه‌ای که با دستاویز قرار دادن انگشت بریده نائله (همسر خلیفه سوم) و نامه او به معاویه برای انتقام خون خلیفه سوم، مردم شام را علیه امیرمؤمنان علیه السلام تحریک می‌نمود؛ لذا حضور زنانی برای پاسخ به این تحرکات و بیان حقایق بسیار مؤثر بود. سوده دختر عمارهٔ از قبیله همدان، زرقاء دختر عدی (نوه حاتم طائی)، بکاره هلالیه، ام الخیر دختر حریش، عکرشه دختر اطش، دارمیه حجونیه، ام سنان دختر خیثمهٔ از جمله زنانی بودند که با حضور در صفین، به فعالیت‌های تبلیغی پرداخته و با کلام شیوا و خطابه‌های آتشین خود به افشای کفر

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]

[DOR: 20.1001.1.17350689.1398.16.63.6.0]

معاویه و دفاع از حقانیت امیرمؤمنان علیه السلام پرداختند. مضامین کلام ایشان همگی با استناد به قرآن و کلام رسول خداست که حاکی از عمق معرفت ایشان به معارف الهی است. برخی از خطابه‌های آتشین ام الخیر در تشویق لشگر کوفه به جنگ با شامیان به شرح ذیل است:

«یا أیها الناس اتقوا ربکم إن زلزلة الساعة شیءٌ عظیم إن الله قد أوضح الحق وأبان الدلیل ونوّر السبیل ورفع العلم فلم یدعکم فی عمیاء مبهمة ولا سوداء مدلهمة فإلی أین تریدون رحمکم الله أفراراً عن أمیر المؤمنین أن فراراً من الزحف أم رغبة عن الإسلام أم ارتداداً عن الحق أما سمعتم الله عز وجل یقول ولنبلونکم حتی نعلم المجاهدین منکم والصابرین ونبلو أخبارکم ثم رفعت رأسها إلی السماء وهی تقول اللهم قد عیل الصبر وضعف الیقین وانتشر الرعب وبیدك یا رب أزمَّة القلوب فاجمع إلیه الکلمة علی التقوی وألف القلوب علی الهدی واردد الحق إلی أهله هلموا رحمکم الله إلی الإمام العادل والوصی الوفی والصدیق» (ابن طیفور، ۱۹۰۸:۱/۴۲)

در این خطبه، پشت کردن به امیرمؤمنان علیه السلام به عنوان امام عادل و وصی رسول، ارتداد از اسلام محسوب شده و معرکه صفین معرکه بدر قلمداد شده که در یک طرف سپاه رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم و در طرف دیگر سپاه ابوسفیان است؛ یکی پرچم هدایت در دست دارد و دیگری پرچم ضلالت.

تأثیر فعالیت این شیر زنان مجاهد به گونه‌ای است که داغ آن حتی سالیان بعد بر دل معاویه ماند و همین منجر شد که سالها پس از شهادت امیرمؤمنان علیه السلام این زنان را به دمشق فرا خوانده و مورد بازخواست قرار داد و جالب اینکه ایشان پس از گذشت سال‌ها و در حضور معاویه، بر حقانیت خطابه‌های خویش در صفین تأکید نمودند. دارمیه حجونیه کنانیه در پاسخ به معاویه از علت محبتش به امیرمؤمنان علیه السلام و نفرتش از معاویه گوید: من علی را به خاطر عدالتش و تقسیم یکسانش دوست داشتم و با تو دشمنی می‌ورزم چون با آن که برای حکومت از تو

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]

[DOR: 20.1001.1.17350689.1398.16.63.6.0]

سزاوارتر بود، جنگیدی و در پی چیزی برآمدی که برای تو نیست. با علی دوستی ورزیدم به خاطر ولایتی که رسول خدا صلی الله علیه و آله، در روز غدیر خم در مقابل چشم تو، برای او اقرار گرفت، به خاطر آنکه به بیچارگان محبت می‌ورزید و دینداران را بزرگ می‌داشت. (ابن طیفور،۱۹۰۸:۳۵-۷۶) پس از واقعه عاشورا نقش بی‌بدیل حضرت زینب و حضرت ام کلثوم علیهما السلام در تبیین قیام حضرت ابا عبدالله علیه السلام و افشای تزویر ابن زیاد و یزید، که نقش بی‌بدیلی در جاودانه نمودن حماسه عاشورا داشت، جلوه دیگری از مشارکت زنان مؤمن در عرصه جهاد است.

و. سیاست

تاریخ اسلام همواره شاهد حضور فعال زنان مسلمان در عرصه سیاست بوده است که مصداق بارز آن دفاع همه جانبه حضرت صدیقه طاهره از امر ولایت اهل بیت علیهم السلام و در رأس ایشان امیرمؤمنان علیه السلام بوده است. عدم سکوت ایشان در قضایای مربوط به سقیفه و خطابه مشهور ایشان در حضور صحابه رسول الله صلی الله علیه و آله شاهدی بر این مدعاست. خطابه‌های هند دختر یزید انصاری در دفاع از امیرمؤمنان در زمان حاکم جلادی همچون زیاد بن ابیه، که پس از اعتراض حجر بن عدی بر ابن زیاد در جسارت به امیرمؤمنان به حمایت از حجر پرداخت و پس از شهادت حجر، با مرثیه‌های خود نگذاشت مجاهدت او فراموش شود. (عبدالله بن عفیفی،۱۹۳۲:۱۱۹/۲) و اسارت دو ساله همسر عمرو بن حمق در زندان دمشق، نمونه‌هایی از این مشارکت فعال است. (ابن طیفور،۱۹۰۸:۶۴)

ز. بیعت

بیعت عبارت از پیمان و تعهدی بود که بیعت کنندگان جهت فرمانبرداری با شخصی می‌بستند. بیعت در میان اعراب قبل از اسلام نیز رواج داشت.

پس از ظهور اسلام، تاریخ شاهد چند بیعت بسیار مهم از جانب مسلمانان با

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1398.16.63.6.0]

رسول خداﷺ است که بیعت عقبه اول و دوم و بیعت رضوان بسیار سرنوشت ساز شد. اعلام وفاداری گروهی از مردمان مدینه در بیعت عقبه اول و دوم، زمینه هجرت رسول خداﷺ را به یثرب، که به میمنت ورود آن حضرت به مدینة النبی تغییر نام داد را فراهم نمود. نکته قابل توجه در بیعت‌های مذکور، حضور زنان مسلمان در این عرصه است. در بیعت اول در کنار ۱۲ مردی که با آن حضرت بیعت نمودند از زنی به نام عَفْرَاءُ بِنْتُ عُبَيْدِ بْنِ ثَعْلَبَةَ به همراه شوهرش (ابن هشام، ۴۲۹/۱:۱۹۵۵) نام برده شده است. صاحب کتاب طبقات نیز از بیعت او با رسول خداﷺ بدون ذکر مکان و زمان سخن گفته است. (ابن سعد، ۴۴۳/۳:۱۹۶۸) ابن هشام تعداد بیعت کنندگان در عقبه دوم را ۷۳ مرد، به همراه دو زن به نام ام منیع و ام عماره ذکر نموده است.(ابن هشام، ۴۴۱/۱:۱۹۵۵) ابن سعد نیز از بیعت این دو سخن گفته است. (ابن سعد، ۱۹۶۹: ۴۰۸/۸-۴۱۲)

بیعت شجره یا رضوان، که در شرایط حساس حدیبیه انجام شد. در این وضعیت حساس و اضطراری که پس شایعه کشته شدن عثمان (نماینده آن حضرت برای صحبت با قریش) انجام شد، مسلمانان بیعت نمودند تا سر حد جان از آن حضرت دفاع نمایند (ابن هشام، ۳۱۵/۲:۱۹۵۵) اهمیت بیعت مذکور به حدی است که خداوند سبحان به تمجید از این بیعت پرداخته است. (فتح/۱۸) در این پیمان سرنوشت ساز در کنار مردان، نام چهار زن به نام‌های ام‌سلمه، ام‌عماره، ام‌منیع و ام‌عامر در صفحات تاریخ می‌درخشد. (زمانی‌محجوب،۱۰۲:۱۳۹۰-۹۱) پس از ورود آن حضرت به مدینه و بیعت مسلمانان با آن حضرت، زنان نیز به نزد آن حضرت آمده و تقاضای بیعت با آن حضرت نمودند و آن حضرت ضمن پذیرش این خواسته، دست مبارکشان را در ظرف آبی زده و در آورده و آن ظرف را به زنان داده و به ایشان فرمودند شما نیز دستتان را در آب ظرف فرو برید و فرمودند این بیعت شماست. پس از فتح

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1398.16.63.6.0]

مکه نیز زنان تازه مسلمان با آن حضرت بیعت نمودند که در قرآن کریم، مفادی که زنان در بیعت با آن حضرت بدان اعلام وفاداری نموده‌اند، ذکر شده است. (ممتحنه/۱۲)

ک. حضور در محاکم قضایی

از جمله عرصه‌های اختلاط زن و مرد، می‌توان نقش زنان در ایجاد و اجرای عدالت در جامعه اشاره نمود. پذیرش شهادت زنان در محاکم دینی صدر اسلام که برگرفته شده از آیات قرآنی دارد، حکایت از این امر دارد. در قسمتی از آیه کریمه ۲۸۲ بقره چنین آمده:

﴿وَ اسْتَشْهِدُوا شَهِيدَيْن مِنْ رِجالِكُم فَإِنْ لَمْ يَكُونا رَجُلَيْنِ فَرَجُلٌ وَ امْرَأَتان- دو شاهد از مردانتان را [بر این حق] شاهد بگیرید، و اگر دو مرد نبود، یک مرد و دو زن را از میان شاهدانی که می‌پسندید شاهد بگیرید.﴾ (بقره/۲۸۲) در اینجا مبحث مربوط به عرصه‌های اختلاط به پایان رسیده و ضوابط حاکم بر اختلاط مورد بررسی قرار می‌گیرد.

ضوابط حاکم بر اختلاط بین زنان و مردان

وجه دوم تمایز اختلاط زن و مرد بیگانه در صدر اسلام با دوران جاهلیت در ضوابط حاکم بر آن می‌باشد. بررسی آیات قرآنی، سیره حضرت رسول‌الله ﷺ و امیرمؤمنان علیه‌السلام در رابطه با فعالیت زنان در عرصه‌های مختلف اجتماعی حاکی از این امر است که این فعالیت‌ها باید به گونه‌ای باشد که جامعه محل عرضه جاذبه-های جنسی زن نگردد و تمتعات جنسی، سهمی در آن نداشته باشد؛ زیرا مسائل مذکور منحصر به روابط زناشویی است و کشاندن آن از محیط خانه به اجتماع، آثار سوء غیر قابل جبرانی به دنبال دارد و به همین جهت ضوابط خاصی برای سلامت اختلاط زن و مرد بیگانه، تعیین گردیده است.

هر چند در عصر جاهلی نیز چنانچه در قسمت قبلی اشاره شد، حریم‌هایی بر

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]

[DOR: 20.1001.1.17350689.1398.16.63.6.0]

روابط زنان و مردان حاکم بود؛ ولی به گونه‌ای نبود که به طور کامل بتواند مانع از تحریک جنسی و تحریک‌پذیری گردد. از این رو در آیات قرآنی و سیره رسول اکرمﷺ با دستوراتی مواجه می‌شویم که در صدد رفع نقایص مذکور است. در اینجا به ذکر مصادیق ضوابط حاکم بر اختلاط زن و مرد بیگانه پرداخته می‌شود:

۱. نحوه پوشش زنان

مردمان عصر جاهلیت به ویژه زنان از پوشش برخوردار بودند ولی این پوشش به گونه‌ای نبود که بطور کامل مانع از جاذبه جنسی زنان در جامعه گردد. زنان در آن هنگام مقنعه‌هایشان را به پشت گوشهایشان می‌افکندند (کلینی، ۱۴۲۹:۱۱/۱۹۷) واین امر موجب می‌شد که قسمت‌هایی از بدن ایشان همچون گوش و گردن و سینه نمایان باشد و از طرف دیگر نواقصی در پوشش حجم محاسن وجود داشت، از این رو در آیه کریمه ۳۱ نور، حکم به لزوم پوشش همه قسمت‌های بدن به جز وجه و کفین درمقابل مرد بیگانه و در آیه کریمه ۵۹ احزاب، حکم به لزوم پوشش "حجم محاسن" در مقابل مرد بیگانه شد.

بررسی سیره رسول خداﷺ نیز حکایت از تلاش زیاد ایشان در اجرای مفاد آیات مذکور و رفع نواقص مربوط پوشش زنان دارد:

الف) تذکر به زنانی که از پوشش نامناسب برخوردار بودند:

آن حضرت نه تنها به نفس پوشش، بلکه به کیفیت البسه مورد استفاده نیز توجه داشتند به گونه‌ای که اگر دختر بالغی با لباسهای نامناسب در مقابل افراد نامحرم قرار می گرفت به او تذکر می‌دادند:

«دخلت علی ابنة أخی لأمی عبد الله بن الطفیل مزینة، فدخل النبی صلی الله علیه و سلم، فأعرض، فقالت عائشة: یا رسول الله إنها ابنة أخی و جاریة. فقال:" إذا عرکت المرأة لم یحل لها أن تظهر إلا وجهها، و إلا ما دون هذا"، و قبض علی ذراع نفسه، فترك بین

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]

[DOR: 20.1001.1.17350689.1398.16.63.6.0]

قبضته و بین الکف مثل قبضة أخری – طبری با سلسله سند خود از عائشه نقل می‌کند که روزی دختر برادرم (از طرف مادر) عبدالله بن طفیل بر من وارد شد و سپس رسول خدا ﷺ وارد شد و روی از دختر برادرم برگرداند. به آن حضرت گفتم ای رسول خدا این دختر برادرم است و دختر نوجوانی است. و آن حضرت فرمودند: هنگامی که دختر به سن بلوغ می رسد تنها جایز است که صورت و دستانش آشکار باشد و سپس [برای اینکه مقدار مجاز دست را نشان دهند] دستش را بر محل جدایی ساعد از کف دست دیگرش قرار داد.» (طبری، ۱۴۱۲:۱۸/۹۳)

آن حضرت نسبت به پوشش حجم بدن زنان نیز اهتمام و تأکید داشتند؛ به گونه‌ای که به ایشان دستور دادند که در صورتی می‌توانند لباس رویین نازک به تن نمایند که یک لباس ضخیمی در زیر آن به تن داشته باشند تا حجم بدنشان نمایان نگردد. بوصیری از محدثین اهل سنت (متوفی ۲۳۵ق) بابی را به این موضوع اختصاص داده است. در یکی از این روایات ذکر شده که آن حضرت لباسی را به اسامه هدیه نمود و او نیز آن را به همسرش داد. در وقتی دیگر آن حضرت اسامه را دید که آن لباس را بر تن ننموده، از او سؤال نمودند که لباس را چه کردی و ایشان پاسخ داد به همسرم دادم. آن حضرت فرمودند: همسرت باید در زیر آن لباس ضخیمی بپوشد تا حجم بدنش آشکار نباشد. (بوصیری، ۱۴۲۰:۱/۲۸۰)

ب) تهیه خمار برای دختران تازه بالغ شده:

پوشش کامل زنان و دختران بالغ از چنان اهمیتی در نزد ایشان برخوردار بود که خود آن حضرت اقدام به تهیه خمار برای دختران تازه بالغ شده می‌نمودند. به گونه‌ای که خودشان پارچه‌هایی را به عنوان خمار برای پوشش موی سر ایشان می‌فرستادند تا به ایشان اعلام کنند که ایشان بالغ شده و از این به بعد تکالیفی در ابعاد مختلف از جمله پوشش به عهده دارند: عائشه در این باره گفته:

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1398.16.63.6.0]

«فَقَالَتْ إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ دَخَلَ وَفِي حُجْرَتِي جَارِيَةٌ فَأَلْقَى لِي حَقْوَهُ وَقَالَ لِي شُقِّيهِ بِشُقَّتَيْنِ فَأَعْطِي هَذِهِ نِصْفًا وَالْفَتَاةَ الَّتِي عِنْدَ أُمِّ سَلَمَةَ- عائشه می‌گوید حضرت رسول الله ﷺ بر من وارد شد در حالی که دختر نوجوانی درخانه من بود و ایشان به من حقوه‌ای (نوعی پارچه) داد و فرمود آن را به دو قسمت تقسیم کن؛ نیمی را به این دختر بپوشان و نیمی دیگر را برای دختری که در خانه‌ام سلمه است بفرست.» (ابوداود، ۱/۴۷۹:۲۰۰۹)

این عمل آن حضرت موجب می‌شد دختران بالغ با این پوشش، احساس شخصیت جدیدی نسبت به دختران نابالغ پیدا نمایند. و از آن رو که تربیت تدریجی آثار ماندگارتری دارد دستور می‌دادند تا ابتدا برای نماز گذاردن خمار به سر کنند و می‌فرمودند: از دختر بالغی که بدون سر نمودن خمار، نماز بگذارد، پذیرفته نمی‌شود:

«لاَ يَقْبَلُ اللَّهُ صَلاَةَ حَائِضٍ إِلاَّ بِخِمَارٍ». (ابوداود، ۱/۴۷۸:۲۰۰۹) لذا این دختران به تدریج با این پوشش جدید انس گرفته و در غیر نماز نیز خمار به سر می‌نمودند.

ج) مبارزه با نذرهای خرافی:

با توجه به اینکه فتح مکه در دو سال پایانی عمر شریف رسول خدا ﷺ رخ داد، و حدوداً بیش از ۲۰ سال از دوران رسالت آن حضرت شهر مکه توسط کفار قریش با همان رسوم باطل اداره می‌شد، و پس از آن نیز برخی مسلمانان هنوز تحت تأثیر برخی از خرافه‌ها و رسم‌های باطل مشرکان بودند. لذا آن حضرت به شدت با این خرافه‌ها به مقابله پرداخت. در همین راستا رسول خدا ﷺ در مسیر مکه به زنی برخورد کردند که با حالت پیاده و موهای آشکار بدون خمار حرکت می‌کرد. ایشان به آن زن فرمودند، این چه وضعیتی است؟ و آن زن پاسخ داد نذر نموده‌ام که با پای پیاده و موهایی آشکار حج گذارم. آن حضرت دستور دادند تا

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]

[DOR: 20.1001.1.17350689.1398.16.63.6.0]

سرش را پوشانده و بر مرکبی سوارش نمایند. (بیهقی،۱۴۲۴:۱۰/۱۳۸)

۲. نحوه نگاه

از منظر قرآن کریم و روایات نبوی، از بهترین روش‌های جهت کاهش تحریک پذیری دوجنس مخالف کنترل نگاه است. خداوند سبحان زنان ومردان (هر دو) را به کنترل و حفظ نگاه امر نموده و از ایشان خواسته است، نگاه خود را از آنچه که از نظر شرع و عقل مجاز به نگریستن بدان نیستند، باز دارند: ﴿قُلْ لِلْمُؤْمِنِينَ يَغُضُّوا مِنْ أَبْصارِهِم﴾- به مردان مؤمن بگو: چشمان خود را [از آنچه حرام است مانند دیدن زنان نامحرم و عورت دیگران] فرو بندند. (نور/۳۰) ﴿وَ قُلْ لِلْمُؤْمِناتِ يَغْضُضْنَ مِنْ أَبْصارِهِن﴾- و به زنان باایمان بگو: چشمان خود را از آنچه حرام است فرو بندند. (نور/۳۱)

در روایات نیز نگاه شهوت آلود به نامحرم به تیری زهرآگین از جانب شیطان توصیف شده است:

امیر المؤمنین علیه‌السلام روایت کرد از رسول‌خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله که آن حضرت فرمودند:

نظر کردن در محاسن زنان، تیری است زهر آلود از تیرهای ابلیس، هر که چشم نگاه دارد از ایشان طلب ثواب خدای را، خدای تعالی او را بندگی آن عبادتی کرامت کند که به ثواب شادمانه شود. (ابوالفتوح رازی،۱۴۰۸:۱۴/۱۲۴)

۳. نحوه گفتگو

در قرآن کریم از زنان مؤمن می‌خواهد که در موقع گفتگو بامردان نامحرم توجه داشته باشند که مبادا لحن و آهنگ و یا محتوای صحبت به گونه‌ای باشد که موجب تحریک جنسی طرف مقابل را فراهم نماید:

﴿فَلا تَخْضَعْنَ بِالْقَوْلِ فَيَطْمَعَ الَّذِی فِی قَلْبِهِ مَرَضٌ وَ قُلْنَ قَوْلاً مَعْرُوفا﴾- در گفتار خود، نرمی و طنّازی نداشته باشید تا کسی که بیمار دل است طمع کند، و سخن پسندیده و

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1398.16.63.6.0]

شایسته گویید. (احزاب/۳۲)

تأثیر آهنگ زن بر تحریک نمون جنس مخالف تا آنجاست که امیرمؤمنان علیه‌السلام از سلام نمودن به زنان جوان پرهیز نموده و وقتی علت را جویا می‌شوند پاسخ می‌دهند «أتخوف أن یعجبنی صوتها فیدخل علی أکثر مما طلبت من الاجر»- خوف دارم از اینکه صدای زن در نظرم خوش آید و آنچه از این بابت در قلب من وارد می‌شود، بیش از پاداشی باشد که از سلام عایدم می‌شود. (کلینی،۱۴۲۹:۴/۷۰۸)

ج) اکتفا به حداقل صحبت

پرهیز از زیاده‌گویی در گفتگوی با نامحرم، عامل مهمی در عدم تحریک‌پذیری جنس مخالف می‌باشد. بررسی روابط کلامی حضرت موسی علیه‌السلام و دختر حضرت شعیب - به عنوان یک نمونه کامل از عفت و حیا برخورد مرد و زن نامحرم- گویای این نکته است که آن دو به حداقل گفتگو (در حد ضرورت) اکتفا نمودند. چه آن هنگامی که حضرت موسی علیه‌السلام از ایشان سؤال می‌کند: ﴿قالَ ما خَطْبُكُما﴾کار شما چیست؟ و آنها تنها به این پاسخ اکتفا می‌کنند ﴿قالَتا لا نَسْقِی حَتَّی یُصْدِرَ الرِّعاءُ و أَبُونا شَیْخٌ کَبِیرٌ﴾ - ما [این دام‌هایمان را] آب نمی‌دهیم تا [این] شبانان [دام‌هایشان را] برگردانند و پدر ما پیری کهنسال است [به این علت از انجام این کار معذور است.]

۴- نحوه راه رفتن

خداوند سبحان در سوره شریفه نور نیز از زنان می‌خواهد در هنگام راه رفتن به گونه‌ای راه نروند که جلب توجه نامحرمان و به تبع آن، موجب تحریک جنسی ایشان شوند:

﴿وَ لا یَضْرِبْنَ بِأَرْجُلِهِنَّ لِیُعْلَمَ ما یُخْفِینَ مِنْ زِینَتِهِن﴾ (نور/۳۱) زنان نباید پاهایشان را [هنگام راه رفتن آن گونه] به زمین بزنند تا آنچه از زینت‌هایشان پنهان می‌دارند [به وسیله نامحرمان] شناخته شود.

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]

[DOR: 20.1001.1.17350689.1398.16.63.6.0]

و در جای دیگر، قرآن به تمجید "راه رفتن همراه با شرم و حیاء" می‌پردازد.

در بیان سرگذشت حضرت موسی علیه‌السلام، هنگامی که یکی ازدختران حضرت شعیب علیه‌السلام به دستور پدر به دنبال حضرت موسی علیه‌السلام آمد، نحوه راه رفتن آن دختر چنین مورد تمجید قرارمی‌دهد، ﴿فَجاءَتْهُ إِحْداهُما تَمْشِي عَلَى اسْتِحْياءٍ﴾ پس یکی از آن دو در حالی گام برمی‌داشت که عفت و نجابت از طرز راه رفتنش پیدا بود. واژه استحیاء حکایت از نهایت حیای آن دختر دارد که خوش نداشت که جلو مردان راه برود و با مردان [نامحرم] سخن گوید. (طبرسی،۱۳۷۲: ۷/۳۸۸ و صدوق،۱۴۱۳: ۴/۱۹)

۵- ممنوعیت دوستی زن با مرد نامحرم

در تعالیم قرآنی کریم دوستی زن و مرد نامحرم به شدت مذمت شده است به گونه‌ای که در آیه کریمه ۲۵ نساء از جمله شرایط کنیز مطلوب برای زندگی نمودن، نبود ارتباط دوستی بین او با مردان نامحرم بیان شده است:

﴿وَ لا مُتَّخِذاتِ أَخْدانٍ﴾- نه گیرندگان دوست پنهانی.

در ارتباط با ازدواج با زنان اهل کتاب نیز چنین شرطی بیان شده است (مائده/۵)

اخدان جمع "خدن" به معنای دوست، یار و مصاحب بوده و بیشتر در باره کسی که برای میل و خواهش نفسانی و شهوانی دوستی می‌کند بکار می‌رود. (ازهری،۱۴۲۱: ۷/۱۲۵ و راغب، بی‌تا: ۲۷۷ و طوسی، بی‌تا: ۳/۱۷۱)

۶- تفکیک جنسیتی در محیط عبادت و کار جهت عدم تماس فیزیکی

الف) تفکیک صفوف زنان از مردان در مسجد

نحوه تشکیل صفوف نماز جماعت به گونه‌ای بود که برای جلوگیری از هرگونه اختلاطی ابتدا صفوف مردان تشکیل می‌شد و پس از آن صفوف زنان. آن حضرت برای پرهیز هرگونه اختلاطی مردان را تشویق به قرار گرفتن در صف‌های اول (که دورترین صف‌ها از زنان بود) نموده و صفوف اول مردان را بهترین صف‌ها و

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]

[DOR: 20.1001.1.17350689.1398.16.63.6.0]

برعکس زن‌ها را تشویق به قرار گرفتن در صفوف آخر و صفوف اول زنان را بدترین صف‌ها (که نزدیک‌ترین صف‌ها به مردان) نام برده‌اند. (صدوق،۱۹۶۶: ۱/۴۱۱؛ مسلم نیشابوری، ۳۲۶/۱؛ ابن حنبل، ۳/۲۹۳:۱۴۱۹ و فتال نیشابوری:۱/۴۰۳)

ب) اختصاص بابی در مسجد برای ورود و خروج زنان

مطابق برخی منابع اهل سنت، عدم اختلاط زن و مرد نامحرم حتی در ورود و خروج از مسجد آنقدر برای آن حضرت اهمیت داشت که دری را مخصوص ورود و خروج زنان در مسجد قرار دادند و مردان حق رفت و آمد از آن در را نداشتند. حدیث تأکید می‌کند که عبدالله بن عمر تا زمانی که در قید حیات بود هیچگاه از در مذکور رفت و آمد ننمود. (ابوداود، ۱/۴۲۳:۲۰۰۹)

ج) خارج شدن مردان پس از خروج کامل زنان از مسجد

اهتمام آن حضرت به عدم تماس فیزیکی در خروجی مسجد نیز به اندازه‌ای بود که خودشان به همراه سایر مردان وقتی اقدام به خروج از مسجد می‌گرفتند که اطمینان حاصل کنند در خارج از مسجد چنین وضعیتی پیش نمی‌آید.

ام سلمه سلام الله علیها در توصیف رفتار آن حضرت گفته که آن حضرت پس از اتمام نماز مکث می‌نمودند و به گونه‌ای از مسجد خارج می‌شد که زنان از مسجد خارج شده و وارد خانه‌هایشان شده بودند. نکته مهم این است که تا هنگامی که رسول خدا ﷺ بلند نشده و از مسجد خارج نمی‌شدند سایر مردان نیز از مسجد خارج نمی‌شدند و بدین ترتیب جلوی هر گونه تماس بدنی گرفته می‌شد:

«ام سلمه زوج النبی صلی الله علیه و سلم أخبرتها أن النساء فی عهد رسول الله صلی الله علیه و سلم کن إذا سلمن من المکتوبة قمن وثبت رسول الله صلی الله علیه و سلم ومن صلی من الرجال ما شاء الله فإذا قام رسول الله صلی الله علیه و سلم قام الرجال- زنان در زمان رسول خدا ﷺ پس از اتمام نماز بلند شده و از مسجد خارج می‌شدند و پیامبر و مردان

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1398.16.63.6.0]

صبر می‌نمودند هنگامی که [زنان به طور کامل خارج می‌شدند] آن حضرت بلند می‌شد [جهت خروج از مسجد] وسایر مردان نیز به همراه ایشان بلند می‌شدند.» (بخاری،۱۴۰۷:۱/۲۹۵ و سنن نسایی،۱۴۰۶:۳/۶۷)

آن حضرت در شرایط عادی نیز از زنان می‌خواستند که در هنگام رفت و آمد در خارج از خانه از کنار کوچه حرکت کنند (نه از وسط) تا هیچ گونه برخورد احتمالی با مردان نداشته باشند. در منابع معتبر فریقین به این مطلب اشاره شده است:

«لیس للنساء من سروات الطریق شیء ولکنها تمشی فی جانب الحائط والطریق- زنان نباید از وسط مسیر حرکت کنند، بلکه باید از کنار مسیر حرکت نمایند.» (کلینی، ۱۴۲۹:۱۱/۱۹۰)

ابوداود سجستانی بابی را با عنوان "باب فِی مَشْی النِّسَاءِ مَعَ الرِّجَالِ فِی الطَّرِیقِ" اختصاص داده است و دو روایت را در ذیل آن ذکر نموده است:

«سَمِعَ رَسُولَ اللَّهِ -صلی الله علیه وسلم- یَقُولُ وَهُوَ خَارِجٌ مِنَ الْمَسْجِدِ فَاخْتَلَطَ الرِّجَالُ مَعَ النِّسَاءِ فِی الطَّرِیقِ فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ -صلی الله علیه وسلم- لِلنِّسَاءِ «اسْتَأْخِرْنَ فَإِنَّهُ لَیْسَ لَکُنَّ أَنْ تَحْقُقْنَ الطَّرِیقَ عَلَیْکُنَّ بِحَافَاتِ الطَّرِیقِ ». فَکَانَتِ الْمَرْأَةُ تَلْتَصِقُ بِالْجِدَارِ حَتَّی إِنَّ ثَوْبَهَا لَیَتَعَلَّقُ بِالْجِدَارِ مِنْ لُصُوقِهَا بِهِ- هنگامی که آن حضرت متوجه شدند که زنان و مردان در خارج از مسجد در مسیر حرکت مختلط شده‌اند به زنان فرمودند: شما با تأخیر حرکت نمایید، پس برشما زنان شایسته نیست از وسط مسیر حرکت کنید، بلکه باید از کنار حرکت کنید. آنگاه زنها از کنار دیوار می‌رفتند تا جایی که لباسشان به دیوار می‌چسبید.» (ابوداوود، ۲۰۰۹: ۶/۵۴۳)

لذا آن حضرت تمام تلاش خود را نمودند تا زمینه‌های تماس بدنی مردان و زنان نامحرم را از بین ببرند.

امیرمؤمنان علیه‌السلام نیزهنگامی که اطلاع پیدا نمودند که در بازار کوفه زنان به هنگام

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1398.16.63.6.0]

حرکت با مردان نامحرم تماس بدنی پیدا می‌نمایند به عتاب ایشان پرداخته و فرمودند:

«عن أبی عبدالله علیه السلام قال: قال أمیرالمؤمنین علیه السلام: یا أهل العراق نبئت أن نساءکم یدافعن الرجال فی الطریق أما تستحیون- ای مردم عراق شنیده‌ام که زنان شما در راه به مردان تنه می‌زنند، آیا حیا نمی‌کنید؟» (کلینی،۱۴۲۹:۱۱/۲۳۲)

سیره رسول خدا صلی الله علیه و آله و امیرمؤمنان علیه السلام برگرفته از کلام وحی می‌باشد. در تعالیم قرآنی نیز تفکیک مورد بحث، مورد تمجید واقع شده است. قرآن کریم در توصیف چوپانی نمودن دختران حضرت شعیب علیه السلام، به عنوان دختران با حیاء و عفیفی متذکر می‌شود که ایشان برای "پرهیز از هرگونه تماس فیزیکی با مردان بیگانه در هنگام آب دادن گوسفندان، صبر می کردند تا آنان گوسفندان خود را سیراب کرده و دور شوند و سپس اقدام به سیراب نمودن گله خود نمایند. (قصص/۲۳)

۷) شیوه بیعت زنان با رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم

از جمله شواهدی که بیان کننده ضوابط حاکم بر اختلاط زن و مرد بیگانه است، کیفیت بیعت زنان با آن حضرت است. البته بیعت مردم با آن حضرت نه به معنای رسمیت دادن به آن حضرت به عنوان حاکم اسلامی، بلکه به معنای تبعیت از فرامین ایشان است؛ همچنان که در آیه کریمه ۱۲ممتحنه آمده‌است:

﴿یا أَیُّهَا النَّبِیُّ إِذا جاءَکَ الْمُؤْمِناتُ یُبایِعْنَکَ عَلی أَنْ لا یُشْرِکْنَ بِاللَّهِ شَیْئاً وَ لا یَسْرِقْنَ وَ لا یَزْنِینَ وَ لا یَقْتُلْنَ أَوْلادَهُنَّ وَ لا یَأْتِینَ بِبُهْتانٍ یَفْتَرِینَهُ بَیْنَ أَیْدِیهِنَّ وَ أَرْجُلِهِنَّ وَ لا یَعْصِینَکَ فِی مَعْرُوفٍ فَبایِعْهُنَّ وَ اسْتَغْفِرْ لَهُنَّ اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِیم﴾

ای پیامبر! هنگامی که زنان باایمان نزد تو آیند تا [بر پایه این شرایط] با تو بیعت کنند که: چیزی را با خدا شریک نگیرند، و دزدی نکنند، و مرتکب زنا نشوند، و فرزندان خود را نکشند، و طفل حرام‌زاده خود را به دروغ و افترا به شوهرانشان

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]

[DOR: 20.1001.1.17350689.1398.16.63.6.0]

نبندند، و در هیچ کار پسندیده‌ای از تو سرپیچی نکنند، با آنان بیعت کن و از خدا برای آنان آمرزش بخواه زیرا خدا بسیار آمرزنده و مهربان است؛. برآن دلالت دارد. در احادیث معتبر فریقین تصریح شده که آن حضرت در هنگام بیعت زنان با ایشان، از دست دادن با زنان امتناع کرده و به روش‌های زیر بیعت صورت می‌گرفت:

۱. در ظرفی که آن حضرت در آن وضوء می‌گرفتند، مقداری آب در آن ریخته و آن حضرت دست مبارک خویش را در آن فرو می‌بردند؛ سپس ظرف آب را نزد زنان می‌بردند و زنان نیز دستان خویش را در آن فرو بردند. (کلینی، ۱۱/۲۰۹:۲۰۱۳) و این بیعت بدینگونه نبود که آن حضرت دستشان را در یک طرف ظرف گذارند و زنان دستانشان را در طرف دیگر ظرف چنان که برخی چنین گمان نموده‌اند و آن را بیش از دست دادن عادی، حساسیت برانگیز قلمداد نموده‌اند (ترکاشوند،۱۳۸۹: ۹۶۵) بلکه ظرف آبی را آورده دستشان را در آن فرو برده و از آن خارج می‌نمودند و سپس ظرف آب را نزد زنان برده و زنان نیز همینگونه عمل می‌نمودند. (کلینی، ۱۱/۲۰۹:۲۰۱۳)

در طبقات ابن سعد نیز نحوه بیعت از طریق ظرف آب همینگونه عنوان شده است: «فأدخل یده فیه ثم أعطاهن امرأة امرأة، فکانت هذه بیعتهن- پس دستش را در آن ظرف قرار داد و سپس ظرف را در اختیار زنان قرار داد و زنان نیز یکی یکی بیعت نمودند.» (ابن سعد،۸/۱۱:۱۹۶۸)

۲. بیعت به صورت کلامی. (ابوالفتوح رازی،۱۹/۱۶۸:۱۴۰۸و مسلم:۳/۱۴۸۹) این بیعت بدین شکل انجام می‌گرفت که آن حضرت به صورت گفتار، تکالیف زنان را بیان می‌نمودند و زنان نیز متعهد به انجام آن می‌شدند.

۳. پرده‌ای میان زنان و حضرت رسول الله ﷺ حائل می‌شد و یک طرف پرده را آن حضرت بدست می‌گرفت و طرف دیگر را زنان؛ بدین صورت زنان با آن

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]

[DOR: 20.1001.1.17350689.1398.16.63.6.0]

حضرت بیعت می‌نمودند. (ابوالفتوح رازی،۱۴۰۸:۱۹/۱۶۹)

۸) نحوه ورود بر زنان

از دیگر تدابیرآن حضرت از هرگونه اختلاطی، نهی از وارد شدن بر زنان بدون اذن می‌باشد تا اگر زن از پوشش مناسبی برخوردار نیست نگاه مرد نامحرم به او نیفتد. در منابع حدیثی معتبر وارد شده که آن حضرت همراه جابر به خانه امیرمؤمنان علیه‌السلام مراجعه نموده و ابتدا پشت در ایستاده و از حضرت زهرا علیهاالسلام اذن ورود خواستند و پس از اعلام آمادگی آن حضرت (پوشش مناسب)، به خانه وارد شدند. کلینی بابی را به این موضوع اختصاص داده است. (کلینی، ۱۴۲۹:۱۱/۲۱۳)

نتیجه‌گیری

با نگاهی به تاریخ جاهلیت و صدر اسلام، و مقایسه وضعیت اختلاط زنان و مردان در می‌یابیم که حضور زنان در جامعه اسلامی از دو جهت عرصه و ضوابط با دوران جاهلیت تفاوت دارد. از جهت عرصه، حضور زن جاهلی محدود به شعر و کهانت، تجارت و در بیشتر مواقع، تمتعات جنسی مرد از اوست و به هیچ وجه جهت مقاصد عالی انسانی و رشد و کمال او، مورد نظر نیست. اما همین زنان در سایه تعالیم اسلامی، ضمن دستیابی به کرامت الهی و انسانی خویش، توانستند در عرصه‌های مختلف اجتماعی، دوشادوش مردان و حتی در برخی مراحل فعال‌تر از ایشان به ایفای نقش بپردازند. عرصه‌هایی همچون تعلیم و تعلّم، سیاست، جهاد، شهادت، هجرت، پزشکی شاهد ارتقای همه جانبه جایگاه زن در اجتماع و نقش مؤثر ایشان در رشد و شکوفایی تمدن اسلامی است. رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم نه تنها به زنان اجازه حضور در عرصه‌های مختلف اجتماعی می‌داد؛ بلکه متناسب با توانایی‌ها و قابلیت‌هایشان، در برخی عرصه‌ها همچون پزشکی، زمینه حضور بیشتری برای ایشان نسبت به مردان فراهم می‌نمود.

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]

[DOR: 20.1001.1.17350689.1398.16.63.6.0]

اما از جهت ضوابط حاکم بر نحوه اختلاط، هرچند در عصر جاهلی حریم‌هایی بر روابط زنان و مردان حاکم بود؛ ولی به گونه‌ای نبود که بتواند مانع از عرضه جاذبه‌های جنسی زن گردیده و بتواند حضوری فعال و در عین حال سالم فراهم نماید. اما شرع مقدس اسلام با حاکم نمودن ضوابطی بر نحوه اختلاط، موجب شد که جامعه محل عرضه جاذبه‌های جنسی زن نگردیده و تمتعات جنسی زن، سهمی در فعالیت‌های اجتماعی او نداشته باشد. دستورات مربوط به نحوه پوشش، نگاه، صحبت و اقدامات صورت گرفته جهت تفکیک جنسیتی محیط عبادت و کار از جمله ضوابط مذکور است.

کتابنامه

قرآن کریم
۱. ابن اثیر، *اسد الغابه فی معرفه الصحابه*، تحقیق: علی محمد معوض، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۵ه.
۲. ابن اثیر، *الکامل فی التاریخ*، تحقیق: عمر عبد السلام تدمری، بیروت، دارالکتاب العربی، ۱۴۱۷ه.
۳. ابن اثیر، مبارک بن محمد، *النهایه فی غریب الحدیث و الاثر*، قم، اسماعیلیان، ۱۳۶۷ش.
۴. ابن حجر عسقلانی، *الاصابه فی تمییز الصحابه*، تحقیق: عادل احمد، بیروت، دار الکتب العلمیه، ۱۴۱۵ه.
۵. ابن درید، محمد بن حسن، *جمهرة اللغه*، بیروت، دار العلم للملایین،۱۹۸۸م.
۶. ابن سعد، *طبقات کبری*، تحقیق: احسان عباس، بیروت، دارصادر، ۱۹۶۸م.
۷. ابن سیده، *المحکم و المحیط الأعظم*، هنداوی، عبدالحمید، بیروت، دار الکتب العلمیه،۱۴۲۱ه.
۸. ابن طیفور، *بلاغات النساء*، قاهره، مطبعة مدرسة والدة عباس الأول، ۱۹۰۸م.
۹. ابن عبدالبر، *الاستیعاب فی معرفة الأصحاب*، بیروت، دارالجیل، ۱۴۱۲ق.
۱۰. ابن ماجه، *سنن*، تحقیق: محمد فواد عبدالباقی، بیروت، دار احیاء الکتب العربیه، بی‌تا.
۱۱. ابن مقبل، *دیوان*، تحقیق: عزت حسن، بیروت، دارالشرق،۱۴۱۶ه.
۱۲. ابن هشام، *سیره ابن هشام*، تحقیق: طه عبد الرؤف سعد، بیروت، دارالجیل، ۱۴۱۱ه.
۱۳. ابو داود سجستانی، *سنن*، تحقیق: شعیب ارنووط، دمشق، دارالرساله، ۲۰۰۹م.
۱۴. ابن هشام، *سیره*، تحقیق: مصطفی السقا، مصر، ۱۹۵۵م.
۱۵. ابی تمّام، حبیب بن اوس، *دیوان حماسه*، احمد حسن، بیروت، دارالکتب العلمیه،۱۴۱۸ ه.

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1398.16.63.6.0]

۱۶. احمد بن حنبل، *مسند*، تحقیق: السید ابو المعاطی النوری، بیروت، عالم الکتب، ۱۴۱۹ه.
۱۷. ازهری، محمد بن احمد، *تهذیب اللغه*، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۲۱ ه.
۱۸. امْرُؤُ القَیْس، *دیوان*، تحقیق: عبد الرحمن المصطاوی، بیروت، دارالمعرفه، ۱۴۲۵ ه.
۱۹. انصاریان، حسین، *ترجمه قرآن*، قم، اسوه، ۱۳۸۳ش.
۲۰. اوس بن حجر، *دیوان*، تحقیق: محمد یوسفنجم، بیروت، صادر، ۱۹۶۷م.
۲۱. بخاری، *صحیح بخاری*، تحقیق: مصطفی دیب البغا، دار ابن کثیر، بیروت، الیمامة، سوم، ۱۴۰۷ ه.
۲۲. بغدادی، محمد بن حبیب، *المنمق فی اخبار قریش*، تحقیق: خورشید احمد فارق، بیروت، عالم الکتب، ۱۴۰۵ ه.
۲۳. بغدادی، محمدبن حبیب، *المحبّر*، تصحیح ایلزه لیختن شتیتر، بیروت، منشورات درالآفاق الجدیده، بی‌تا.
۲۴. بوصیری، *اتحاف الخیره المهره بزوائد المسانید العشره*، ریاض، دارالنشر، ۱۴۲۰ ه.
۲۵. بیهقی، *السنن الکبری*، تحقیق محمد عبد القادر، بیروت، دار الکتب العلمیه، ۱۴۲۴ ه.
۲۶. بیهقی، *السنن الصغیر*، تحقیق: عبدالمعطی امین قلعجی، کراچی، جامعة الدراسات الإسلامیة، ۱۴۱۰ه.
۲۷. ترکاشوند، امیرحسین، حجاب شرعی در عصر پیامبر، ۱۳۹۰ش، نسخه الکترونیکی.
۲۸. جبوری، یحیی، *الملابس العربیه فی الشعر الجاهلی*، دار المغرب الاسلامی، بیروت، ۱۹۸۹م.
۲۹. جواد علی، *المفصل فی التاریخ العرب قبل الاسلام*، دارالساقی، بیروت،۱۴۲۲ ه.
۳۰. جوهری، اسماعیل بن حماد، *الصحاح*، دارالعلم الملایین، بیروت، چاپ: اول، ۱۳۷۶ ه.
۳۱. حر عاملی، *تفصیل وسایل الشیعه*، مؤسسة آل البیت (علیهم السلام) لإحیاء التراث، قم، ۱۴۰۹ه.
۳۲. حلبی، *السیره الحلبیه فی سیره الأمین المأمون*، بیروت، دارالمعرفه، ۱۴۰۰ه.
۳۳. رازی، ابوالفتوح، *روض الجنان و روح الجنان فی تفسیر القرآن*، آستان قدس رضوی، مشهدمقدس، ۱۴۰۸ه.
۳۴. راغب اصفهانی، *مفردات الفاظ القرآن*، بیروت، دارالقلم، ۱۴۱۲ق.
۳۵. زمانی، حبیب، جایگاه و نقش زنان صدر اسلام در بیعت و هجرت، معرفت، سال بیستم ـ شماره ۱۷۰ـ بهمن ۱۳۹۰.
۳۶. زمخشری، محمود بن عمر، *اساس البلاغه*، بیروت، دارصادر، ۱۹۷۹م.
۳۷. زمخشری، محمود بن عمر، *الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل*، بیروت، دارالکتاب العربی،۱۴۰۷ ه.
۳۸. زهیر بن ابی سلمی، *دیوان*، تحقیق: علی حسن فاعور، لبنان، مکتبه العلمیه، ۱۴۰۸ ه.
۳۹. شوقی ضیف، تاریخ الادب العربی، قاهره، دارالمعارف، ۱۹۶۰م.

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1398.16.63.6.0]

۴۰. صدوق، *من لا یحضره الفقیه*، تحقیق: غفاری، علی اکبر، قم، انتشارات اسلامی،۱۴۱۳ ه.
۴۱. صفری فروشانی، نعمت اله، آموزش زنان در صدر اسلام، سایت دکتر صفری فروشانی.
۴۲. طباطبایی، محمد حسین، المیزان، قم، جامعه مدرسی، ۱۴۱۷.
۴۳. طبری، ابو جعفر محمد بن جریر، *جامع البیان فی تفسیر القرآن*، بیروت،: دار المعرفه،۱۴۱۲ ه.
۴۴. طبری، محمد ابن جریر، *تاریخ الأمم والملوک*، بیروت، دار الکتب العلمیة، ۱۴۰۷ق.
۴۵. طوسی، *التبیان فی تفسیر القرآن*، بیروت، دار احیاءالتراث العربی، بی‌تا.
۴۶. عبد الله بن عفیفی، *المرأة العربیة فی جاهلیتها وإسلامها*، المدینة المنورة، مکتبة الثقافة، ۱۹۳۲م.
۴۷. عطاردی قوچانی، عزیز الله، *مسندفاطمه الزهراء علیها السلام*، تهران، عطارد، ۱۳۷.
۴۸. فتال نیشابوری، *روضة الواعظین*، قم، منشورات رضی، بی‌تا.
۴۹. فراهیدی، خلیل بن احمد، *کتاب العین*، قم، نشر هجرت،۱۴۰۹ه.
۵۰. فواز العاملی، زینب، *الدر المنثور فی طبقات ربات الخدور*، مصر، المکتبه الکبری الامیریه،۱۳۱۲ ه.
۵۱. کحّاله، *اعلام النسام فی عالمی العرب و الاسلام*، بیروت، الرساله، بی‌تا.
۵۲. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، تحقیق: دارالحدیث، قم، دارالحدیث، ۱۴۲۹ه.
۵۳. لبید بن ربیعة، *دیوان اشعار*، بیروت، دارالمعرفه، ۱۴۲۵ه.
۵۴. مسلمی زاده، محبوبه و ممتحن، مهدی، *مضامین اخلاقی مشترک در شعر زهیر و سعدی*، پژوهشنامه
۵۵. ادبیات تعلیمی، سال نهم، شماره ۳۴، تابستان ۱۳۹۶، ص۱۶۸-۱۲۹.
۵۶. مسلم نیشابوری، *الصحیح*، تحقیق: محمد فؤاد عبد الباقی، بیروت، دار إحیاء التراث العربی، بی‌تا.
۵۷. مصطفوی، حسین، *التحقیق فی کلمات القرآن الکریم*، بیروت، دارالکتب العلمیه،۱۴۳۰ه.
۵۸. مفضل بن محمد، *ا لمفضلیات*، تحقیق و شرح: احمد محمد شاکر، قاهره، دارالمعارف،۲۰۱۲م.
۵۹. مقاتل بن سلیمان، *تفسیر مقاتل بن سلیمان*، تحقیق عبد الله محمود شحاته، بیروت، دار إحیاء التراث،۱۴۲۳ه.
۶۰. مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، تهران،دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۷۴ش.
۶۱. مهلهل بن ربیعه، *دیوان مهلهل*، تحقیق: طلال حرب، بیروت،الدار العالمیه، بی‌تا.
۶۲. نابغه ذبیانی، *دیوان اشعار*، شرح: عباس عبدالساتر، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۶ه.
۶۳. نسائی، *السنن الصغری*، تحقیق: عبد الفتاح ابو غدة، حلب، المطبوعات الاسلامیه، ۱۴۰۶ه.
۶۴. نصرت زبیدی، *ما وصلنا من شعر جنوب الهذلیه*، دبی، جهاد هدیب، ۲۰۱۳م.
۶۵. واقدی، *المغازی*، تحقیق: مارسدن جونس، بیروت، عالم الکتب، ۱۴۱۴ه.

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1398.16.63.6.0]